

توپخانه‌های ایندوپاسیفیک و کنترل خطر تشدید تنش

منطقه ایندوپاسیفیک در آستانه یک عصر موشکی جدید است؛ ذخایر سامانه‌های موشکی کوتاه‌برد و میان‌برد زمین‌به‌زمین در منطقه به‌سرعت در حال رشد است. سیاستگذاران و برنامه‌ریزان نظامی شاید این ظرفیت‌ها را در حفاظت از صلح و حفظ بازاریابی اساسی ببینند، اما این گسترش تسلیحات می‌تواند دوگانه‌های امنیتی را که همین حالا هم پیچیده‌اند، تشدید کنند، به‌ویژه در رابطه با کره شمالی و تنگه تایوان، ضمن اینکه می‌تواند خطرات تشدید تنش‌های هسته‌ای را هم افزایش دهند. گزارش تازه‌ای در اندیشکده کارنگی، انگیزه‌های داینامیک گسترش تسلیحات موشکی در آسیا را شناسایی و پیشنهاداتی برای رسیدگی به برجسته‌ترین خطرات ارائه می‌کند. خلاصه یافته‌های کلیدی و پیشنهادات این گزارش به شرح زیر هستند. تشدید احساس خطر و داینامیک ژئوپلیتیک معاصر، شامل رقابت ایالات متحده و چین، همچنان عامل ادامه سرمایه‌گذاری‌های جدی کشورهای ایندوپاسیفیک در گستره‌ای از ظرفیت‌های موشکی هستند. تغییرات ساختاری هم روی گسترش تسلیحات اثر گذاشته‌اند. نکته قابل توجه اینکه بعد از سال‌ها ادعاها در باره عدم پایبندی روسیه، ایالات متحده در سال ۲۰۱۹ از معاهده نیروهای هسته‌ای میان‌بر یا آی‌ان‌اف، مصوب سال ۱۹۸۷ خارج شد. واشنگتن حالا به دنبال موشک‌های جدیدی است که از روی زمین ارسال می‌شوند، با تمرکز بر آسیا. داینامیک کنش و واکنش بین کره شمالی و کره جنوبی هم روندهای گسترش تسلیحات موشکی را بیش از پیش تسریع کرده‌اند. دنبال‌کنندگان اصلی ظرفیت‌های قابل توجه جدید موشکی در شرق آسیا، یعنی استرالیا، چین، ژاپن، کره شمالی، کره جنوبی، تایوان و ایالات متحده، همه خود را در معرض چالش‌های امنیتی حاد می‌بینند و هم برای بازدارندگی و هم برای نبردهای متعارف، در ظرفیت‌های حملاتی دربردار، ارزش می‌بینند. احتمال‌ترین مسیرهای تشدید تنش هسته‌ای در ایندوپاسیفیک با شروع نبرد متعارفی کلید می‌خورد که در آن لاقال یک کشور هسته‌ای درگیر است. خطر اصلی از این احتمال سرچشمه می‌گیرد که عملیات نظامی متعارف شدید، به‌خصوص حملاتی که شامل استفاده گسترده از موشک‌ها علیه اهداف نظامی یا حاکمیتی شوند، ممکن است از سوی کشور هسته‌ای به‌عنوان هدف‌گیری تأسیسات یا ظرفیت‌های هسته‌ای تصور شوند، حتی در شرایطی که نیات پشت این عملیات محدودتر از این باشد. پیگیری فرآیندها و رهبردهای تقابلی متعارف، خطرهای جدی برای تشدید تنش ایجاد می‌کند که عمدتاً از سوی برنامه‌ریزان و سیاستگذاران نادیده گرفته می‌شوند. بعد است کنترل تسلیحات رسمی به سبک معاهده آی‌ان‌اف، در کوتاه‌مدت در ایندوپاسیفیک سربرآورد. امروز، مؤثرترین مداخله برای کاهش خطرات، شامل تغییراتی یک‌جانبه می‌شوند، در نحوه موضع‌گیری نیروهای دولت‌های منطقه، نحوه اعلام قصدونیت‌ها توسط این دولت‌ها و نحوه برنامه‌ریزی عملیات نظامی متعارف از سوی آن‌ها. پیشنهادات برای ایالات متحده شامل این موارد است: برای پیشگیری از منبع جدیدی برای ایهام که باعث سوءبرداشت حریفان در یک بحران شود، ایالات متحده باید تضمین دهد که برنامه‌های تدارکات بلندمدتش شامل هیچ‌گونه موشک دوظرفیتی شلیک از زمین نمی‌شود. باید مکرراً تأکید کند که تصمیمش عدم استفاده از چنین موشک‌هایی در آسیاست. به‌علاوه، ایالات متحده باید ارزیابی جامعی از ظرفیت‌های موشکی و خطرات تشدید تنش در ایندوپاسیفیک داشته باشد. وزیر دفاع ایالات متحده باید درخواست ارزیابی چندپارتمانی از ظرفیت‌های تهاجمی ایالات متحده در منطقه کند. این بررسی باید با محوریت دفتر وزیر دفاع، توسط غیرنظامیانی انجام شود که به معاون سیاستگذاری وزیر دفاع گزارش می‌دهند. پیشنهاد دیگر، بررسی مشابهی روی پیامدهای استقرار موشک و کنترل تسلیحات است. برای ایالات متحده و متحدانش، یعنی استرالیا، ژاپن و کره جنوبی، این پیشنهادات مطرح می‌شود: نقش ظرفیت‌های تهاجمی متحدان در مشاوره‌ها و گفت‌وگوهای مربوط به این ائتلاف مطرح و بررسی شود. روی سیستم‌های پدافندی غیرعامل سرمایه‌گذاری شود. هماهنگی ایالات متحده - ژاپن - کره جنوبی در حوزه هشدار و رصد موشکی ارتقا یابد. تضمین‌هایی در رد گزینه استقرار چرخشی موشکی ارائه شود. این پیشنهادات نیز به دیگر کشورهای ایندوپاسیفیک ارائه می‌شود: موشک‌ها در دستور کار امنیت منطقه قرار گیرند و در مجامع منطقه‌ای، به‌خصوص آن‌هایی که آسه‌آن هدایت‌شان می‌کند، در باره مسائل مربوط به گسترش تسلیحات موشکی گفت‌وگو شود. به‌علاوه باید در جهت برپایی مرکز تبادل داده موشکی شرق آسیا فعالیت شود تا شفافیت افزایش یابد، اطمینان شکل گیرد و احتمال سوءبرداشت کاهش یابد.



فقط چند کیلومتر جنوب شهر «هاله» در شرق آلمان، یک منطقه بیلابلی است که به‌عنوان منطقه تاریخی ثبت شده است. یک خانه مجلل آنجا در نور صورتی کم‌رنگ می‌درخشد و جنگل آن‌والد تا پشت سر آن کشیده می‌شود.

ساختمانی که در حومه اشکوپا است، طبق بروشور تازه معرفی املاک، در دهه ۱۹۳۰ ساخته شده است، اگرچه دیگر منابع ادعا می‌کنند از این قدیمی‌تر است. قدیم‌تر، زمانی که این منطقه بخشی از آلمان شرقی بود، یک باشگاه جوانان متعلق به کارخانه محلی مواد شیمیایی از فضای این مکان برای مهمانی‌های رقص و بزم‌های تابستانه استفاده می‌کرد.

این روزها، این مکان خانه راست‌گرایان افراطی است. در بازدید اخیر در یک روز سه‌شنبه، در ورودی بسته بود و نوشته‌ای می‌گفت: «لطفاً زنگ خانه را بزنید» اما کسی جواب نداد. زنی از پنجره ساختمانی کوچک‌تر که متعلق به این خانه بود نگاه کرد و سرش را با تندی تکان داد اما در باز نکرد.

فعالان جنبش هویتی یا (Identitarian Movement) (IM)، دور از توجه مردم، این خانه ویلایی را پایگاه خود کرده‌اند. رئیس آی‌ام در آلمان، مردی به نام فیلیپ تالر، رسماً به‌عنوان ساکن این خانه ثبت شده است و شرکتی به نام گراوزون میدین که هویتی‌ها اداره‌اش می‌کنند هم از این محل استفاده می‌کنند. نام‌های دیگری از فعالان آی‌ام هم روی برچسب‌های رنگ‌ها هست و همین‌طور یک شرکت آی‌ام دیگر به نام شانزه‌آینز. یک قفسه کامل کتاب از پنجره دیده می‌شود، با کتاب‌هایی به نام‌هایی مثل «از اروپا دفاع کنید».

این خانه ویلایی در اشکوپا تنها یکی از چندین ملکی است که گروه راست افراطی «جنبش هویتی» در آن پایگاه شکل داده است. برای مثال، چمنیتز، محل استقرار مکانی به نام «مرکز پادفرهنگ و فعالیت» است و در شهر اتریشی استیریا که چندان از لینز دور نیست، «کاستل آرورا» قرار دارد که مرکز تجمع راست‌گرایان افراطی است، شامل آن‌هایی که از آلمان می‌آیند. چنین مکان‌هایی، وقتی پای برقراری شبکه درون صحنه‌های سیاسی در میان باشد، به‌شدت مهم هستند.

حالا گزارش‌های اسپیکل و شبکه عمومی «ام‌دی‌آر» مشخص کرده است که در هر سه مورد، پیتر کورت منابع مالی را مخفیانه تأمین می‌کند. کورت عضو سابق حزب راست میانه «دموکرات مسیحی» یا سی‌دی‌یو است و سناتور مالی سابق شهر-ایالت برلین. تصور می‌شود او از سال ۲۰۱۹ تا ۲۰۲۲ حدود ۲۴۰ هزار یورو در شرکت‌های آی‌ام سرمایه‌گذاری کرده است. مقامات امنیتی حالا کورت را به‌عنوان یک تأمین‌کننده مالی مهم برای هویتی‌ها می‌بینند. سازمان امنیت داخلی اصلی آلمان، یعنی دفتر فدرال حفاظت از قانون اساسی، جنبش هویتی را که حدود ۵۰۰ فعال در آلمان دارد، به‌عنوان گروهی «قطعاً افراطی» دسته‌بندی کرده است که بالاترین درجه تهدید این نهاد است.

بعد از گزارش‌ها درباره جلسات توطئه‌آمیز سیاستمداران با حزب راست افراطی «جایگزین برای آلمان» یا ای‌اف‌دی در پوتسدام، هویتی‌ها حالا به مرکز توجه عمومی تبدیل شده‌اند. مارتین سلمر، از چهره‌های مهم دارای جایگاه نمایشی در دنیای آلمانی‌زبان، در پوتسدام درباره برنامه‌های «بازمهاجرت» [ایده‌ای در اروپا مربوط به اجبار یا تشویق مهاجران به بازگشت به کشورهای مربوط به نژادشان، اغلب صرف‌نظر از وضعیت شهروندی‌ا، دیپورت جمعی و اخراج مهاجران و آلمانی‌هایی که از خانواده‌های مهاجر می‌آیند، سخن گفته است. از آن زمان، صدها هزار نفر در آلمان به خیابان‌ها رفته‌اند تا علیه راست‌گرایان افراطی نظاهرات کنند.

جنبش هویتی که چند سال پیش به‌عنوان یک جنبش جوانانه قوم‌گرا-ملی‌گرا به تیتراخبار رسید، اخیراً به نظر در حال محو شدن بود اما در یکی دو سال اخیر، دوباره برپا شده است و شروع به کار در جهت بازگشتی مخفیانه کرده است. نفوذش هم گسترده‌تر شده است.

هویتی‌ها در سکوت ساختارهای خود را گسترش داده‌اند و با دیگر راست‌گراهای افراطی ارتباط برقرار کرده‌اند، درحالی که سیاستمداران ای‌اف‌دی هویتی‌ها را در دفترهای پارلمانی خود منصوب کرده‌اند. به‌علاوه، بودجه‌هایی مخفیانه از مردان ثروتمندی مثل سیاستمدار سابق سی‌دی‌یو یعنی گُرد دریافت کرده‌اند که زمانی به عنوان آینده دفتر برلین آن حزب دیده می‌شد.

حالا از زمانی که جنبش هویتی در آلمان بنیان نهاده شد ۱۲ سال می‌گذرد؛ جنبشی که عمدتاً تحت تأثیر ایدئولوگ ارشد «راست جدید»، گانتز کویچک، دوست سیاستمدار بانفوذ و افراطی ای‌اف‌دی، بیورن هاگ بنا نهاده شد. فعالان جوان می‌خواستند کلیشه‌های قدیمی نئونازی را کنار بگذارند، به‌جای پوین‌های بلند چرم نظامی، کنایی بیوشند و ریش‌های هیسترون بگذارند. آن‌ها از شعرهایی مثل «خارجی‌ها بیسترو» اجتناب کردند و به جایش نژادپرستی‌شان را پشت عبارت‌های

شبه‌متفکرانه مثل «تکثرگرایی قومی» یا ترویج نظر به‌هویت توطئه‌ای مثل «جایگزینی بزرگ» [ایده‌ای که می‌گوید توطئه‌ای توسط خواص و قدرتمندان در کار است که جمعیت سفیدپوست را در اروپا با جمعیت مهاجران، رنگین‌پوست‌ها، اعراب، ترک‌ها، مسلمانان و... جایگزین کنند] مخفی کردند.

برای پیش‌قراولان هویتی در اتریش مثل سلنر و حورابوش، هدف چیزی کمتر از هژمونی فرهنگی نیست. به‌تدریج، محدودیت‌های آنچه می‌شود گفت، در حال گسترش هستند؛ به سمت راست افراطی. به این ترتیب، آی‌ام در حال حرکت به سمت همان هدف ای‌اف‌دی است، فقط این مسیر را نه در پارلمان‌های ایالتی و ملی آلمان که در حاشیه‌های راست افراطی دنبال می‌کند. راست‌گرایان افراطی بر این باورند که تغییر نظر افکار عمومی در نهایت راه را برای تصاحب قدرت توسط افراطی‌ها هموار خواهد کرد.

فعالان آی‌ام در گذشته هم توجهات را به سمت خود جلب کرده‌اند. مثلاً در سال ۲۰۱۶، وقتی در دروازه برندنبرگ در برلین جمع شدند و بنری باز کردند که روی آن نوشته بود: «مرزهای امن - آینده امن». در سال ۲۰۱۷، هویتی‌های آلمانی، ایتالیایی و فرانسوی کشتی‌ای اجاره کردند و تلاش کردند راه پناهجویانی را ببندند که می‌خواستند از مدیترانه رد شوند و به اروپا بیایند. اما بعد از آن، هیستترهای راست افراطی ساکت شدند. آن‌ها ناچار شدند اولین پروژه مسکن خود را در هاله در ۲۰۱۹ رها کنند و آمار اعضایشان هم دچار رکود شد.

مقامات در سراسر اروپا شروع به افزایش فشار کردند. اتریش استفاده از نماد آی‌ام را در سال ۲۰۲۱ ممنوع کرد و فرانسه کل «ژنراسیون ایدانیتیر»، نام این گروه نژادپرست در فرانسه را غیرقانونی اعلام کرد. شبکه‌های اجتماعی مثل فیسبوک، توییتر و یوتیوب، یکی پس از دیگری، حساب‌های متعلق به آی‌ام را مسدود کردند.

در آلمان، جنبش هویتی به شکلی فزاینده شروع به مخفی شدن پشت سازمان‌های صوری با نام‌های به‌ظاهر بی‌خبر مثل «سوابی‌های محترم» یا «شروع دوباره کرائنچلند» کردند. دیگر بلافاصله مشخص نبود که پشت برخی اقدامات چه کسی است. مثل وقتی در سال ۲۰۲۳، راست‌گرایان افراطی بعد از چند نمونه آزار جنسی در یک استخر در اشتوتگارت، در بنری، آن‌ها نمایش دادند که نوشته بود «بازمهاجرت برای استخرهای امن»، یا وقتی در شهر باواریایی پوتنهاوزن، راست‌گرایان



تشنه، Ivan Radic

هویتی‌های آلمان در

اشپیگل در گزارشی تازه از فعالیت‌ها، معاملات

افراطی‌های یک هاستل پناهجویان را «کانون تروریسم» خواندند. در ماه اکتبر، هویتی‌ها بالای بام مکانی که قرار بود هاستلی برای پناهجویان باشد، رفتند؛ با بنری که روی آن نوشته بود: «جایی برای تسخیر خارجی‌ها نیست - بازمهاجرت».

هم‌زمان، هویتی‌ها به دنبال برپایی ارتباطاتی نزدیک با ای‌اف‌دی و سازمان جوانان این حزب به نام «یونگ آلترناتیو» جایگزین جوان یا جی‌ای (JA) رفتند، به‌رغم این حقیقت که این گروه راست افراطی در واقع در فهرست ای‌اف‌دی برای گروه‌هایی است که با این حزب ناسازگار هستند، یعنی آن‌هایی که در آی‌ام فعال هستند، رسماً اجازه ندارند عضو ای‌اف‌دی شوند. با این حال، بعضی کارگزاران ای‌اف‌دی و جی‌ای علناً از آی‌ام حمایت می‌کنند یا به پروژه‌های هویتی کمک مالی کرده‌اند. سیاستمداران ای‌اف‌دی از فعالان هویتی برای الصاق پوستر کمک گرفته‌اند، در پادکست‌ها با آن‌ها حرف زده‌اند و برای برنامه‌هایی در ملک کویچک در اشتنلرودا در ساکسونی-آنهالت، به آن‌ها پیوسته‌اند.

صعود ای‌اف‌دی برای چشم‌انداز حرفه‌ای برخی هویتی‌ها هم مفید بوده است. اعضای جنبش، در چندین نوبت به‌واسطه این حزب راست‌گرا، مناصب و مشاغل گرفته‌اند و به این ترتیب راه خود را به نهادهای مرکزی دموکراسی آلمان باز کرده‌اند. مثلاً گروه پارلمانی ای‌اف‌دی در ایالت برندنبرگ، چندین عضو این جنبش را استخدام کرده است و امروز هم هنوز، یک هویتی به‌عنوان سخنگوی رسانه‌ای ای‌اف‌دی در پارلمان ایالتی ساکسونی مشغول است.

فعالان آی‌ام در بوندستاگ، پارلمان فدرال آلمان در برلین هم کار می‌کنند. ماریو مولر، یک مجرم خالکوبی کرده که بابت حمله به یک پلیس لباس شخصی و به یک فعال چپ‌گرا محکوم شده است، در فضای نئونازی ریشه‌هایی دارد و به برپایی اولین پروژه مسکن هویتی در هاله کمک کرده است. امروز برای بان ونزل، نماینده ای‌اف‌دی در پارلمان کار می‌کند. نماینده‌های دیگر احزاب این حقیقت را که راست‌گرایان افراطی به ساختمان‌های حفاظت‌شده بوندستاگ دسترسی دارند، نگران‌کننده یافته‌اند؛ به‌خصوص از آن‌جا که فعالان آی‌ام مدت‌هاست هنرهای رزمی تمرین کرده‌اند یا در تمریناتی از نوع نظامی شرکت کرده‌اند.

در پاتریا لادن، فروشگاه‌هایی که سازمان جوانان ای‌اف‌دی اداره‌اش می‌کند، می‌شود دید که روابط بین جی‌ای و جنبش هویتی چقدر نزدیک است. مدیریت این